

بسم الله الرحمن الرحيم

## یادی از تجاوز در نوشته های قبلی!

نوشته: انجنیر محمد نذیر تنویر

نسخه های جدید مضامین، در هژدهمین سالروز تجاوز امریکا بر میهن ما، 7 اکتوبر 2001

Author & Graphic Design: M.N. Tawair



### تذکر:

نسخه های جدید مقالات را؛ در «هفتاد دو روز وحشت» بعد از تجاوز امریکا، پیگیری و مرور خواهیم کرد، تا باشد که با این یادآوری ناچیز، پیوندی در ضمیر خویش با قربانیان این «تجاوز منحوس» داشته باشیم. بیایم تا با تکثیر این نسخه ها؛ که شمه ای از واقعات و تراژدی این سرزمین مظلوم می باشد، خود را نیز در جمع خیراندیشان پیوند زنیم، تا باشد که اگر بهره ای از ثواب الهی را نصیب گردیم. ان شاء الله

### مضمون دوم:

#### **Hunting of Peace! شکار صلح!**

نگارش و طرح کارتون: انجنیر محمد نذیر تنویر

در حاشیه «کنفرانس برلین» کشور جرمنی

تاریخ نشر نسخه اول: 20 جنوری 2012



سودجویان مختلف (همچو دوستم، سیما سمر، عبدالله وو...)، زیر عناوین گوناگون در صدد سبوتاز (شکار) صلح در مهین ما

بعد از نشست برلین، موضوعگیری ها حتی برای آنانی که از نعمت سواد برخوردار نیستند نیز کاملاً روشن و قابل درک گردید! سپاهیان لشکر «پوش» و متحدین آنها که نقش کلیدی در اشغال کشور ما داشتند ضمن آنکه خمی بر ابروی شان پدید نیامد، بی شرمانه دست به توطئه جدیدی زیر نام «فدرالیسم» با همکاری همان اشغالگران زدند. اینکه چنین طرحی جای پای برای عملی شدن را دارد و یا خیر، ناشی از عدم آگاهی آقایون از بافت ها و ساختار های اجتماعی آن مناطق می باشد؛ هرچند که ایشان خود را نمایندگان آن مناطق معرفی می دارند.

اما این موضوع، چیزی تازه و جدیدی نیست! اگر ما تاریخ نچندان دور خویش را دوباره ورق زنیم، چنین ائتلافی به اسم «ائتلاف شمال» توسط عین چهره ها و حتی نخبگان شان درست بیست سال قبل نیز صورت پذیرفته بود. بنده در آن زمان نیز از طریق هنر کارتون آنرا زیر سوال برده بودم که علاقه مندان می توانند در سایت بنده و یا با فشار لنک پایانی آنرا ببینند .

[http://www.2afghan.nl/index\\_files/Page6100.htm](http://www.2afghan.nl/index_files/Page6100.htm)

جای تعجب بر آن است که اینبار فقط با مطرح شدن آغاز «پروسه صلح» با «نیروی های مقاومت»، ایشان دست و پاچه شده عاجل و بطور وحشت زده، دست به چنین اقدامی زدند. این وحشت زده گی تنها به «ائتلاف جبهه ملی» و «ائتلاف ملی افغانستان» محدود نمانده، نهاد های از «حقوق بشر»، «حقوق اقلیت ها»، «حقوق زن»، «آزادی بیان و رسانه ها» ووو ... را نیز دربر داشت. گردانندگان این ائتلاف ها و نهاد ها که اکثراً در کشورهای «حامی دموکراسی» سرمایه گذاری و بودوباش دارند، و شعار شان را حاکمیت دموکراسی جلوه می دهند، آیا گاهی از همان دریچه دموکراسی بر این قضیه اندیشیده اند که طرف کی ها هستند؟ شاید گویند که: «طالبان» و یا «حزب اسلامی» و یا «مولوی جلال الدین حقانی» و یا ... !

نخیر!!!

چنین نیست!

طرف فقط «صلح» می باشد و بس!

زیرا هر آن کسی که در توشه اش خیانتی است از آن در هراس می باشد. یقیناً با آمدن «صلح» - جنگ منتفی گشته و فرصت برای بازگشایی دوسیه های جنایتکاران جنگی و غاصبین دارایی های عامه بیشتر و دقیق تر میسر گشته و نخستین گامی از برای تطبیق عدالت اجتماعی برداشته خواهد شد.

آیا این «سوال برانگیز» بوده نمی تواند که به هزار ها رسانه های خبری، که در طول این یازده سال مشغول ذهنیت سازی اند تا نیرو های مقاومت را تروریست جلوه داده و مجاهدین دوره قبلی را در چهره های کثیف چند تن از «تاجران جهادی» خلاصه نمایند چطور به یک باره گی با شنیدن خبر «صلح» - دست و پاچه شده و اشک تمساح می ریزند؟

تاریخ گواه خواهد بود که «اشغالگران» همانطوریکه حالا تن به مذاکره داده و اجیران شان را در جریان نگذاشته اند، در آینده دور و یا نزدیک اسنادی را نیز در افشای جنایات مزدوران شان نیز بدست نشر خواهند سپاریدند. بعداً جواب «اشغالگران» به اجیران شان چنان خواهد بود که «شیطان» در روز حشر برای دوستان اش می دهد.

بباید، حداقل از آنانکه برای ما دموکراسی آورده اند بیاموزیم تا تحمل پذیر یکدیگر خود باشیم. آیا شما در امریکا و یا اروپا فردی را به اسم "زندانی سیاسی" می شناسید؟ چرا زندان های ما، حتی در ولایات چندین برابر بالاتر از ظرفیت شان زندانی دارند؟ آیا این، روش «اشغالگران امروزی» است و یا از بازماندگان «اشغالگران دیروز» (یعنی خادیسست ها)؟

غربی ها با آزادی «مجرمان جنایی» شان زمانی که دوباره به کشور های شان برمی گردند، جشن و سرور برپا داشته، و از آنها همچو قهرمانان پذیرایی می دارند. اما ما از قهرمانان خود که سالیان درازی را در بدترین شکل در «زندان گوانتانامو» و دیگر زندان ها سپری داشته اند؛ زمانی که حرفی از آزادی شان بر زبان می آید، ناله و فغان سر می دهیم.

این چه نوع تقلید از بیگانگان است؟

شاید ما افغانان چنان عادت کرده ایم که در «دوره وابستگی» خویش تنها به تقلید خصوصیات منفی بیگانگان پردازیم؟ آیا این مطلب به عقل و منطق یک انسان آزاده و واقعیت گرا سازگار بوده می تواند که علت شکست 48 کشور قدرتمند جهان در افغانستان را آی.اس.آی پنداشته و تمامی افتخارات «فرزندان راستین» این خطه را (همچو گذشته ها) برای دیگران منصوب بداریم؟

بدبختانه عده اند ضمن آنکه خود و کشور شانرا به بیگانگان فروخته و می فروشند، افتخارات شان را نیز منصوب به دیگران می دارند. این ذهنیت سازی های آی.اس.آی نه از برای مقابله بر ضد آن است، بلکه از برای آنست تا نیمه بدن زخمی ما را که در آنسوی خط تحمیلی دیورند قرار دارد، سرطانی جلوه داده تا به راحتی آنرا از بدن ما قطع نمایند.

این مطلب در اثر قبلی بنده زیر بحث رفته بود که برای دیدن آن این لنک را فشار دهید:

[http://www.2afghan.nl/index\\_files/Page2526.htm](http://www.2afghan.nl/index_files/Page2526.htm)

این مطلب را بلاخره تاریخ در صفحات اش خواهد نوشت که آنانی که خود را مخالفین سرسخت کنونی آی.اس.آی. جلوه می دهند، در اصل مامورین اجیر شده این ارگان استخباراتی بوده، تا در درازمدت بتوانند نیمه از پیکر جدا شده افغانستان را، از آن دور نگه داشته تا از یکسو اقلیت ها، خودشان را در اقلیت بیشتری احساس ننمایند، و از سوی دیگر از یک افغانستان قوی و نیرومند جلوگیری بعمل آید - که شمه بی ازین مصداق در «کنفرانس برلین» تجلی یافت.

پس برماست تا از تاریخ پند بگیریم، آنهم از تاریخ نه چندان دور!

لست مضامین مجموعه (یادی از تجاوز در نوشته های قبلی!):

1- جنگ بر علیه تروریسم! (روی این لینک: <http://www.2afghan.nl/20191007-1USinvasion.pdf>)

2- شکار صلح! (روی این لینک: <http://www.2afghan.nl/20191007-2USinvasion.pdf>)